

رام کردن مالیوتکا

نگاهی به خاطرات سید محسن خوشدل در کتاب پروازهای بی بازگشت



مهر(۱۳۶۱، اطراف سومار، روز قبل از عملیات مسلم ابن عقیل -دستگاه پرتاب موشک مالیوتکا هدایی از حافظ اسد/ از سمت چپ: سیدمحسن خوشدل، حمید علایی، مصطفی میرغفاری، رحمت گل محمدی، مصطفی بایلیزبان، مرحوم رسول زمانی، مرتضی قربانی، فتاحی، ناشناس

دفاع مقدس

غزل رضایی ثانی

گروه کتاب

کتاب «پروازهای بی بازگشت»، روایتی است از تلاطم‌های زندگی پرفراز و نشیب سید محسن خوشدل، مردی که نامش در تاریخچه لشکر ۲۷ محمد رسول الله(ص) با موشک «مالیوتکا» گره خورده است. او نه تنها یک رزمنده، بلکه استادکار و متخصصی بی‌بدیل در کار با این سلاح بود؛ چنانکه نام مالیوتکا در آذهان بسیاری از رزمندگان، بی‌درنگ یادآور مهارت‌های بی‌نظیر خوشدل است. مالیوتکا، موشکی ضدتانک و هدایت‌شونده با سیم است که در نسل اول تسلیحات پیشرفته جای می‌گیرد. این سامانه با هدایت دستی و متکی بر خط دید، شهرتی جهانی دارد. قابلیت نصب روی خودروهای زرهی، امکان حمل انفرادی توسط رزمندگان، برد عملیاتی ۳۰۰۰ متری، قدرت نفوذی تا ۲۰۰ میلی‌متر در زره و وزن ده کیلوگرمی دستگاه هدایت‌گر، تنها بخشی از شناسنامه فنی این هیولای کوچک اما ویرانگر است. انهدام تانک‌ها، نفربرها و ستون‌های خودروهای نظامی دشمن، تنها برگ‌هایی از دفتر زین‌رسانده‌های سیدمحسن خوشدل در میدان‌های دفاع از میهن است. خوشدل که ریشه در خاک مشهد دارد، در ۱۷ سالگی، زمانی که هنوز نوجوانی

رازهای عقاب آسمان

روایت هم‌زمان خلبان محمود اسکندری از او در کتاب بیگانه با ترس

«بیگانه با ترس» یک تاریخ شفاهی از جنگ هوایی ایران و عراق و بررسی زندگی شخصی تأثیرگذار در نیروی هوایی، نبوغ تاکتیکی و مأموریت‌های استراتژیک، مرحوم سرهنگ خلبان محمود اسکندری، یکی از برجسته‌ترین خلبانان شکاری - بمب‌افکن فانتوم F4 در تاریخ هوانوردی نظامی جهان است. این کتاب به قلم صادق وفايي و توسط انتشارات روزنامه ایران در پاییز ۱۴۰۲ منتشر شد.

«بیگانه با ترس» در ۸ فصل نوشته شده و بخش‌های عمده این فصل‌ها گفت‌وگو با هم‌زمان محمود اسکندری است. مقدمه وفايي با کتاب و انس به مطالعه شروع می‌شود. کتاب‌هایی که همزیستی با آنها از دوران کودکی‌اش آغاز شده و تا به امروز ادامه دارد. وفايي بعد از یک رمان، یک تاریخ شفاهی در حوزه دوبله و یک کتاب تاریخی-تحلیلی درباره روابط ایران و آمریکا، اقدام به نگارش کتابی درباره محمود اسکندری کرده است. او پیش از دو سال درباره خلبان محمود اسکندری تحقیق می‌کند که نتیجه آن، کتاب «بیگانه با ترس» می‌شود. او در این کتاب تلاش کرده، کاری بیشتر از یک زندگی‌نامه معمولی داشته باشد. به همین جهت، زمانی که از اصطلاحات تخصصی جنگ و نیروی هوایی استفاده می‌کند، در پاروئی‌ها درباره آنها توضیح می‌دهد تا مخاطب‌های عادی و خاص حوزه هوانوردی با آن ارتباط برقرار کنند. نویسنده طی مصاحبه‌هایی که انجام داده، سعی می‌کند با استفاده از منابع آسمانی از تعداد فرزند هواپیماهای ایران نسبت به تعداد فرزند هواپیماهای عراق نشان دهد، خلبانان ایرانی با وجود محدودیت‌ها چه توانمندی‌هایی برای

چرنوب و جوش بود، با به میدان جبهه و جنگ گذاشت. او با ورود به واحد موشکی ذوالفقار در تیپ ۲۷، مسیری را آغاز کرد که سرنوشتش را رقم زد. خوشدل، راه دشوار را می‌پیمایست. او در این مسیر، با به اسطوره‌ای در تیراندازان ضدزره در یگان‌های پیاده تبدیل کرده است. سیدمحسن خوشدل در طول سال‌های متصادی حضور در دفاع مقدس، ۷ بار مجروحیت را به جان خرید؛ اما شاید دشوارترین آنها، زخمی باشد که در خرداد ۱۳۶۷، در بویوجه آخرین روزهای جنگ، بر جانش نشست. در انبوه کتاب‌های حوزه دفاع مقدس، کمتر اثری یافت می‌شود که سراغ قهرمانان گمنام یگان‌های ضدزره رفته باشد؛ از همین روست که «پروازهای بی بازگشت» اثری متمایز و پیشرو در ادبیات پایداری و دفاع مقدس محسوب می‌شود. «پروازهای بی بازگشت» به قلم مصطفی رحیمی و توسط انتشارات مرز و بوم منتشر است. مصطفی رحیمی، نویسنده این کتاب، در مقدمه آن می‌گوید: «برای آغاز نگارش، ۱۳ جلسه مصاحبه در اختیارم قرار گرفت که در آنها، سید محسن خوشدل با زبانی صادقانه، خاطرات پرحادثه زندگی‌اش را تا انتهای جنگ تحمیلی روایت کرده بود.» اما رحیمی به این منابع بسنده نکرد؛

و برای آن‌که تصویری جامع و مستند از واقعیت حماسه ارائه دهد، بارها به خوشدل هم‌کلام شد و مصاحبه‌های حضوری برگزار کرد تا جزئیات ناگفته بیشتری از او دریافت کند. رحیمی از خرداد سال ۱۴۰۱ مصاحبه با سیدمحسن خوشدل را آغاز کرد و تا آبان همان سال، ۱۰ جلسه گفت‌وگوی عمیق با او انجام داد. او در این مسیر، با پژوهش تمام به دنبال تکه‌های گمشده پازل است، از یادگارهای به جا مانده از خوشدل، نظیر برگه‌های اعزام، مرخصی‌ها و مأموریت‌ها که در طول سالیان به دقت حفظ شده بودند، بهره برد تا روایتی مستند و دقیق خلق کند. کتاب در پنج فصل منظم تدوین شده است؛ فصلی که خواننده را از عملیات‌های درخشان فتح‌المبین، بیت‌المقدس و رمضان عبور می‌دهد و او را در ورود خوشدل به دنیای تخصصی ضدزره آشنا می‌کند. فصل دوم به کاواوی عملیات‌های والفجر، ۴، ۳ و خیبر و بمو (دانش الکترونیکی دفاع مقدس) اختصاص دارد. او در فصل سوم، شاهد حضور او در عملیات‌های بدر والفجر ۸ هستیم که با آموزش‌های ارتقا‌یی او همراه است. فصل چهارم به اعزام او به انگلستان برای مداوا و عملیات کریبال ۱ می‌پردازد و در نهایت، فصل پنجم با عنوان «آخرین زخم» به پیوندی میان عملیات ۷ نصر، ماجرای ازدواج خوشدل و حماسه



کتاب «پروازهای بی بازگشت»، روایتی است از تلاطم‌های زندگی پرفراز و نشیب سید محسن خوشدل، مردی که نامش در تاریخچه لشکر ۲۷ محمد رسول الله(ص) با موشک «مالیوتکا» گره خورده است.



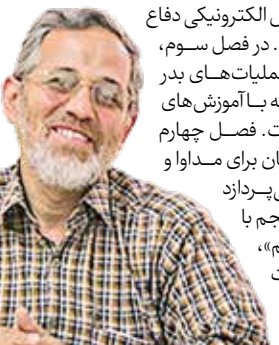
پروازهای بی بازگشت

خاطرات سیدمحسن خوشدل از هشت سال دفاع مقدس

- نویسنده: مصطفی رحیمی
- انتشارات: مرز و بوم
- تعداد صفحات: ۳۰۲ صفحه
- قیمت: ۹۰۰۰۰ تومان

بیت المقدس ۷ برقرار می‌کند. فصل نخست، با روایتی تکان‌دهنده آغاز می‌شود؛ لحظه‌ای که پزشک معالج به خوشدل می‌گوید که بینایی یکی از چشم‌اش (چشم چپ) را برای همیشه از دست داده است. سپس، خوشدل ورود خود به جبهه جنگ را به یاد می‌آورد و برای نویسنده بازگو می‌کند. می‌گوید در ۱۶ سالگی، نه از سر احساسات زودگذر، بلکه با نقشه‌ای دقیق و آموزش در گروه نظامی «آفل»، به جبهه پیوست و در ۲۲ سالگی، یک چشمش را به قربانگاه جنگ برد. او دوره آموزشی‌اش می‌گوید که در ۲۶ اسفند ۱۳۶۰ به پایان رسید و بلافاصله پس از حضوری کوتاه برای گذراندن دوره نگاهت در تهران، مجدد خود را به مناطق جنگی می‌رساند. نویسنده با وسواس و جزئیات، هر کلمه از روایت خوشدل را به رشته تحریر درآورده است. آنچه بیش از هر چیز شگفت‌انگیز است، حافظه قدرتمند خوشدل است که پس از ۴۰ سال، تمامی جزئیات را همچون فیلمی زنده بازخوانی می‌کند. او از شب‌های بی‌خوابی برای آموزش، تمرین‌های طاقت‌فرسا و پیاده‌روی‌های نیمه‌شب برای رسیدن به خط مقدم و سنسگرهای دشمن سخن می‌گوید.

نویسنده با قلمی تصویرگر آن شب سرد و تاریک نوجوانی را روایت می‌کند که خوشدل، هنگام بالا رفتن از خاکریزها، سوزشی وحشتناک در پهلوی‌اش احساس می‌کند و توتلو خوران، تعادلش را از دست می‌دهد و روی زمین می‌افتد. این اتفاق یکی دیگر از تجربه‌های او از زخم‌های جنگ است که بر پیکرش به یادگار ماند. ۲۰ روز در بیمارستان صحرایی ماند، اما در زمانی این مدت، حتی کارهای از این حادثه به خانواده‌اش نگفت تا مبادا آنها را نگران کند. هنر نویسنده در این اثر، فراتر از ثبت خاطرات خاکریزهاست؛ رحیمی ابعاد ناپیدای زندگی خوشدل را نیز به تصویر می‌کشد؛ از سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۷ و در عرص ۱۲ سال، ۸ بار اسباب‌کشی کردند. نویسنده از دوران



نقاوت خوشدل در تهران می‌گوید و سعی دارد روایت جنگ را از فضای سنسگرها به بطن زندگی شهری نیز بکشاند. این بخش شامل تلاش‌های تحسین برانگیز خوشدل برای ادامه تحصیل در هنرستان‌های تهران و برنامه‌ریزی‌های نظام آموزشی برای رزمندگانی است که حتی در بحرجه آتش و خون، از سنسگر دانش غافل نماندند، گرچه فعالیت مستمرش در جبهه بعدها او را از مسیر تحصیل دور می‌کند. پس از اینکه خوشدل دوران نگاهت را پشت سر می‌گذارد، رهسپار اهواز می‌شود؛ شهری که او هوایش را به گرمایی گشوده و خورشیدی سوزان توصیف می‌کند. اما این روزهای پرحسارت، بدون پاتک‌های دشمن نمی‌گذشت و خوشدل و هم‌زمان نوجوانش، در این میان، دل‌ورانه ایستادند. در یکی از همین درگیری‌ها، ترکش‌های کوچک، یار دیگر او را مجروح کرد، اما پس از استراحتی کوتاه، او بار دیگر به گردان میثم بازگشت.

سرنجام خوشدل به گردان تخصصی ذوالفقار معرفی شد؛ همان جایی که سرنوشت در انتظار او بود؛ جایی که روپاهایش برای به آتش کشیدن تانک‌های دشمن، رنگ واقعبیت به خود گرفت. او از نخستین تجربه شلیک خود می‌گوید: تجربه‌ای که اگرچه در آغاز چندان موقیبت‌آمیز نبود، اما اراده پولادین و ثابت‌قدمی‌اش چنان بود که دیگر هیچ مانعی در مسیر پیشرفت متوقفش نمی‌کرد.

نویسنده از زبان محسن خوشدل مناطق سخت و صعب‌العبوری را توصیف می‌کند که خوشدل در آن مناطق حضور داشته است. مانند مناطق سرد و جنگلی قلاجه، بانه و مریوان و ارتفاعات سردسیر آن که جنگیدن در آن منطقه کار هرکسی نبود. در همین مناطق سخت و دشوار در نیمه‌های شب، گرگ و میش صبحدم و هر زمان دیگری، خوشدل پشت قیضه می‌نشست و تانک‌ها را شکار می‌کرد.هربار که شلیکش به هدف می‌خورد صدای تکبیر هم‌زمانش از پشت خاکریزها بلند می‌شد و همین به او روحیه و جان مضاعفی می‌داد. او در کارش آنقدر توانمند شده بود که تمام هدف‌ها را یکی پس از دیگری میزد طوری که دوستانش به شوخی به او می‌گفتند: «همه را زن، برای ما هم چیز دیگری نیست.» نویسنده در این کتاب، صریحاً به روایت تخصص نظامی خوشدل بسنده نکرده، بلکه با طرافتی خاص، خاطرات تلخ هم‌زمان شهیدش را نیز بازتاب داده است؛ رفقای که هر بار بازگشت خوشدل به تهران را به مراسم ختم آنها گره می‌زد و داغی تازه بردلش می‌نشاند. در انتهای کتاب نیز تصاویر متعددی از خوشدل در سین و موقعیت‌های مختلف در جبهه جنگ و تصاویری از برگه‌های مأموریت و برگه‌های اعزام او به مناطق جنگی در اختیار مخاطبان قرار گرفته است.



تربیت‌کند؛ خلبانانی که به دلیل فشارهای کاری زیاد و پروازهای مکرر دچار آسیب‌های زیادی شده‌اند و از جمله آنها خلبان محقی» است که در آن روزی که این مصاحبه‌ها انجام می‌شد، او به دلیل خونریزی مغزی ناشی از پروازهای زیاد، در کما به سر می‌برد.

بخش پایانی کتاب با نثری تلخ، دوران غربت، بازنشستگی زودهنگام و بی‌مهری‌های اداری نسبت به این قهرمان بزرگ را به تصویر می‌کشد؛ خلبانی که آسمان بغداد را درنوردید. او در فانتوم F4 می‌نشست و آسمان تهران تا بغداد را طی الارض می‌کرد، سرنجام در پاییز ۱۳۸۱ در یک خودروی پراید، در سانحه‌ای جاده‌ای به شکلی غریبانه جان باخت و در امامزاده حیدر کلاک کرج به خاک سپرده شد. این کتاب با انتشار عکس‌هایی از سالگی خلبان محمود اسکندری، گذراندن دوره‌های آموزشی مختلف، مأموریت‌های متعدد و تقریب با خانواده‌اش به پایان می‌رسد.

خلبان پهلوان

صادق وفايي

نویسنده روزنامه‌نگار



کتاب «بیگانه با ترس» با عنوان فرعی «هشت گفت‌وگو درباره خلبان محمود اسکندری» است. تمام گفت‌وگوهایی که من در یک پرونده رسانه‌ای درباره آقای محمود اسکندری جمع‌آوری کرده‌ام، در این کتاب به رشته تحریر درآمده است. پس از کتاب «بیگانه با ترس» کتاب دیگری به نام «شیخ دوست داشتنی» نوشتم که این اثر نیز در گفت‌وگو با ۵ خلبان فانتوم است، حتی در کتاب «شیخ دوست داشتنی» نیز، باز هم ردای محمود اسکندری را دنبال کردم و از هم‌زمانش در مورد او سؤال پرسیده‌ام. محور گفت‌وگوها در کتاب «بیگانه با ترس» از ابتدا تا انتها شخص محمود اسکندری و رشادت‌های اوست.

نگارش کتاب «بیگانه با ترس» از آنجا شروع شد که یک پرونده رسانه‌ای درباره محمود اسکندری که شامل گفت‌وگوها، تعدادی مقاله و مطالب متعدد بود، گلد خود. همه این محتواها و منابع استخراج و جمع‌آوری شد و مجموعاً به ۲۰ قسمت پرونده از دست یافتیم که بخش‌هایی از آن، مربوط به مصاحبه‌ها و گفت‌وگوهایی بود که من درباره شخص محمود اسکندری تهیه کرده بودم. نخستین گفت‌وگوی ما، میزگردی بود با حضور آقای اکبر زمانی (همرز و کاپین عقب همیشگی محمود اسکندری)، آقای برات‌پور (لیدر حمله به اج ۳) و آقای محمود ضرابی (از هم‌زمان و هم‌روزهای آقای اسکندری)، در ادامه نیز گفت‌وگوهای مختلف دو نفر و حتی تک‌نفره با برخی افراد خبره در این حوزه انجام شد. هدف اصلی این کتاب، معرفی شایسته خلبان محمود اسکندری به مخاطبان است. جرقه اولیه این کار با خواندن کتاب «ناصر ایچک نکن» اثر آقای مهدی بابامحمودی در ذهنم زده شد؛ اثری که مرا عمیقاً شگفته شخصیت آقای اسکندری کرد. پس از آن تصمیم گرفتم این قهرمان را در رسانه‌ها بیشتر به مردم بشناسانم و بدین ترتیب، گفت‌وگوهایی را پیرامون زندگی او آغاز کردم. بازخورد مثبت مخاطبان و اصرار آنان بر اینکه این گفت‌وگوها باید به دست خوانندگان بیشتری برسد، مرا بر آن داشت تا این مجموعه را مکتوب کنم. در نهایت، ثمره این تلاش‌ها کتاب «بیگانه با ترس: هشت گفت‌وگو درباره خلبان محمود اسکندری» شد که توسط انتشارات ایران به چاپ رسید.

محمود اسکندری شخصیت اصلی کتاب است؛ او یکی از خلبان‌های خاص، متفاوت و توانمند نیروی هوایی کشور محسوب می‌شود. البته ما خلبانان خبره بسیاری داریم که یا شناخته‌شده نیستند و یا کمتر به آنها پرداخته شده است، اما خلبانی مانند محمود اسکندری کمتر پیدا می‌شود. اسکندری خلبانی بسیار با دل و جرأت، با

کارآتری منحصربه‌فرد، «دش داشتنی»، لوتی و جوانمرد بود. در واقع، او از آن دست آدم‌هایی بود که همیشگی سعی داشت دست افتخارهای را بگیرد و خلعت پهلوان‌منشی داشته باشد. او به قدری انسان شجاعی بود که تمام هم‌زمانش و کسانی که با او پرواز کرده‌اند، این موضوع را تأیید و اثبات می‌کنند. هنگامی که گفت‌وگوهای این کتاب را انجام می‌دادم، تمام هدفم معرفی الگویی تمام‌عیار از شجاعت به جوانان ایرانی بود؛ تا اگر روزی کشور درگیر جنگ شد، جوانان ما با شناخت

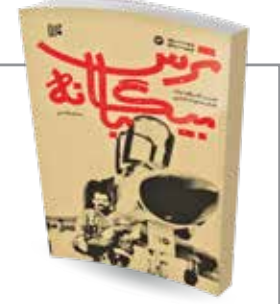
محمود اسکندری بدانند که چنین قهرمانانی در این سرزمین بوده‌اند و چقدر شجاعانه از خاک خود دفاع کرده‌اند. اهمیت شخصیت محمود اسکندری نیز دقیقاً در همین است؛ اینکه او در راه وطن و برای دفاع از خاک خود از هیچ چیزی فروگذار نکرد و هرگز در تلاش و به‌کارگیری توانایی‌اش برای انجام وظیفه، کم نگذاشت.

ضرورت معرفی قهرمانان جنگ

ادبیات جنگ و دفاع مقدس برایم زانری بسیار مهم و دوست‌داشتنی است. تا پیش از جنگ ۱۲ روزه، وقتی روی ادبیات دفاع مقدس کار می‌کردیم، به نظری می‌رسید ما تنها برای دلخوشی خودمان، خاطراتی زبرخاک و افرادی فراموش‌شده را زنده می‌کنیم، اما جنگ ۱۲ روزه و جنگ ۴۰ روزه، اهمیت معرفی این شخصیت‌ها را به هم نشان داد. قهرمانان ما باید بازبایی و بازسازی شوند؛ چه آنان که در جنگ ۸ساله از میهن دفاع کردند و چه آنان که در جنگ ۱۲ روزه با دفاع مقدس ۴۰ روزه حضور داشتند. بنابراین، ما باید به بازبایی و بازسازی این افراد بپردازیم؛ منظوم از بازسازی، زنده کردن یاد و خاطره این بزرگمردان در میان مردم، بویژه جوانان است. ادبیات ما نیازمند بازتولید محتوا در این زمینه است و همین موضوع، اهمیت ادبیات دفاع مقدس را آشکار می‌کند؛ چرا که این وقایع، پایه و اساس تولیدات نمایشی در حوزه‌های فیلم، تئاتر، آثار سینمایی، رادیو و دیگر گونه‌های هنری قرار می‌گیرند.

از این جهت به نظرم، ادبیات دفاع مقدس در کشور ما، به نوعی یک ادبیات مادر است به این دلیل که می‌تواند برای بسیاری از محققان مرجع باشد به شرطی که آثار متعددی در این زمینه تولید شوند و این تولیدات ادامه یابد. یعنی نویسنده‌ها در این زمینه قلم بزنند، کتاب بنویسند و آثارشان به کتابخانه ملی و عمومی برسد و هم اصل و اساس دیگر ژانرهای ادبی قرار بگیرد. از این روست که به نظرم ادبیات دفاع مقدس از سایر ژانرها مثل ژانرهای اختلاف زن و شوهر، مباحث روانی انسان و موضوعاتی که قشر به ظاهر روشنفکر سراغ آن می‌روند، مهم‌تر است. مباحثی که خواندن آنها تنها نتیجه‌ای ندارد بلکه گدای بر گره ذهنی و روحی بشر امروز می‌کشد و به قول خودشان خیلی هم تنها هستند، اضافه می‌کند. اما ادبیات دفاع مقدس همه این‌گره‌ها را بازمی‌کند و به نظرم فرمول و راه حل برای بیرون آمدن از مشکلات مختلف مثل مسائل جنگی، اقتصادی و اجتماعی را در دل خود دارد.

اگر روزی روزگاری جایگاه ادبیات دفاع مقدس کم‌رنگ شده بود، اما حالا این جایگاه پررنگ‌تر شده است. البته در آن زمان که ادبیات دفاع مقدس به ظاهر جایگاهش را از دست داده بود، باز هم مخاطبان وفادار خودش را داشت؛ یعنی کسانی بودند و هستند که پیکر خواندن زندگی، تجربه‌ها و خاطرات همسران شهدا، خانواده‌هایشان و هم‌زمان شهدا هستند؛ اما در حال حاضر آثار دفاع مقدس عمویبت بیشتری به دست آورد و این یک رویکرد مثبت و گامی مؤثر است؛ تا دایم این مسیر نشان‌دهنده عطش و اشتیاق نسل جوان برای درک عمیق‌تر روایت‌های اصیل و قهرمانانه تاریخ کشورمان است.



بیگانه با ترس

هشت گفت‌وگو درباره خلبان محمود اسکندری

- نویسنده: صادق وفايي
- انتشارات: ایران
- تعداد صفحات: ۴۹۶ صفحه
- قیمت: ۴۰۰۰۰ تومان